

آریانا

شماره هفتم

اول اسد ۱۳۲۸

سال هفتم

شرح احوال و آثار علامه مرحوم

محمد قزوینی

بانهایت تاسف از رادیو تهران درین روزها شنیدیم که یک تن از رجال برجسته و مردان
 علم و ادب و محققین و سردر سرزمین منبر پرور ایران رخ در نقاب خاک نهفت مرد بزرگی که سرا سر
 عمر پر افتخارش مجموعه است از خدمات شایسته به علم و ادب و دانشمندی که دقایق ایام
 حیاتش مشغون است به کسب فصول و نشر معارف این استاد بزرگوار علامه مفضل عالم
 تحریر محمد بن عبد الوهاب قزوینی بوده آنانکه با فرهنگ و ادبیات زبان عربی و فارسی
 و شرح احوال دانشمندان این عصر معرفتی دارند و بخردی و توانائی و نبوغ وی در علم و دانش
 و استادی او در ادب و تاریخ اعراف می کنند مردی بدین همه پیشگی و یکنسانی در ادب
 و استقصای کامل در اصول و فروع ادبیات شرقی و استیلا در این تاریخ کمتر سراغ دهند
 آثار مخلص او جهان ارزاست. رود کی شاعر نبیره چشم روشن رأی در رتبه شهید باغی گفته بود.
 از شمار دو چشم بسکن کم - و ز حساب خرد هزاران پیش - از نباط فرهنگی و معنوی ما با ملت همسایه
 و هم کیش ما اران بمن موقع میدهد آنچه را سخنان توانای سعد اسناد صرفند در رتبه شاعر
 شهرام البلاد بلخ هزار سال پیشتر سروده بوده من در رتبه و ما تم این مرد زر گو از
 تسکراز کنم مانم وی مانم ادب است خاصه در روزگار ما که دانش نوین فرنگ بردانش
 و فرهنگ مشرق چهره شده و مادیات بر معنویات مستولی گردیده استاد قزوینی از مفاخر ایران
 بود زیرا ارم در ادب فارسی و هم عربی و هم فرهنگ جدید اروپائی بجز تسلط و استادی
 تمام داشت و توانسته بود این دو فرهنگ شرقی و غربی و این دو دانش نو و کهن را بهم در آمیزد
 و ترکیب خاصی از معارف اسلامی و اروپائی ساخته و راه نویش در تحقیق و تنبیه و انتقاد متکی
 به علم و فن بوجود آورد ما را اگر بوی از حث توحید زبان و مفاخر مشترک و علامه مندی
 و دبستانگری بر آثار بستیها و سبستانیها و بلخیها و غزنویها و هرویها و تخارستانیها ارادتی
 بوده ملل عربی زبان نیز تتبع و تحقیق و معرفت او را به آثار امراء القیس و دعبل و ابغه و منتبئی

و غیره احترام می گذاردند و با محبت در وی می نگرستند خاورشناسان معاصری مانند بر اون سردینی سن راس و هوارت و بلوشه و نکلسن و مینورسکی و ماسینیون و ماسه و آربری و غیره بوی حرمت می گذاشتند و اکرام می نمودند زیرا درشناسائی معارف و حکم مشرق با ایشان رعنائی ها کرده و خدمات غیر قابل انکار در صحنه اظهار از خود بجا گذاشته است من در هنگام اقامت خویش در تهران در محضر فرخنده وی رسیدم وقتی که به بستر بیماری افتادم و دیده بر شا هراه نیستی دوخته و گوش بر جرس کاروان مرگ فرا داشته بود ، در آن دم نیز پیرامون بالین او از گنجینه کتب و آثار قیمتدار گذشتگان انباشته و آراسته بود درست در همان دقایق از ارتباط فرهنگی و مدارک بسکانگی و پیوستگی ما و ایران صحبت میکرد او گفت :

افغانستان مهد پرورش زبان فصیح و شیوای دری است ، افغانستان خانه عنصری و سنائی است هنوز کلمات و ترکیبات اصیل و دست نخورده زبان دری در آن کشور موجود است که از فصاحت و جزالت قدیم نکاسته بحالت اصلی بازمانده است او گفت افغانستان کانون مدنیت های کهن و سر زمین شهکار های باستان و گنجینه نوادر و آثار گران بهای شرق است او گفت این آثار را نگاه باید داشت و نگذاشت که دست خوش تحولات عصر و زمان و بازیچه این و آن گردد بر فرزندان افغان است که متروکات پدران نامور خویش را چنانکه بدیشان رسید ، محفوظ دارند و از دست برد حوادث روزگار حفظ کنند او گفت من همری در راه تنبیه و استنصای لغات و کلمات و فرهنگهای زبان دری رنج برده و کوهرا نندرستی را بر سر این کار از دست داده ام نتیجه تحقیقات من بد آنجا پیوسته که اصل و ریشه این زبان را از زوایا و کوه یا به های کشور شما بدست آورد ، احترام وی در آثار ما کمتر از آثار ایران نبود چون از غزنه و بلخ یاد میکرد و بدگر بیهقی و سنائی و مو اوی می افتاد آب در چشم میگردانید یکی از خوشترین ساعات زندگی من وقتی بود که بر بالین این پیرمرد متبوع و بیغته کار نشسته و کلمات او را که هر یک در حکم پند و حکمت بود می شنیدم ، یک شب سخن ورا شنیدم ، آن نغمه هنوز هست در گوش ، بسیار متاسفم که بر مرگ این فرزانه گرامی و ففقدان این عنصر شریف که در ترازوی معارف و فرهنگ اسلامی مشرق و زنه بود و نظیر او انگشت شمار است چنانچه ناپسته مقام وی است نمیتوانم حق او را ادا کنم .

برای اینکه خوانندگان محترم از مقام شامخ و آثار و خدمات علمی و ادبی وی درست آگاه شوند شرح حالی را که به قلم خودش در یکی از شماره های مجله شما درج شده است در اینجا اقتباس مینمایم و یکبار دیگر مراتب تاثیر و اندوه فراوانی را که در مجامع علمی و ادبی کشور ، دست داده به ملت و مجامع علمی و ادبی و فرهنگی ایران تقدیم و ازین ضایع بزرگ که جهان علم و دانشش مشرق را سوگوار کرده ، اظهار تاثیر و تأسف میکنم و بیاس خدمات علمی و ادبی و مقام ارجمند بین المللی او یک دقیقه سکوت می نمائیم .

شرح حال اینجناب محمد بن عبدالوهاب قزوینی

آقای مرضی مدرسی چهاردهمی از فضیلت و متبیم کتبی در شرح احوال و حال علم و ادب با کوشش و برربری تألیف نموده اند شرح احوال علاقه بزرگوار آقای قزوینی بخط خود ایشان صحنه چند ازان کتاب نفیس است که در اینجا نقل میشود .

اسم اینجناب محمد و اسم پدرم عبدالوهاب بن عبدالملکی قزوینی است. پدرم یکی از مولفین اربعه نامه دانشوران است و تراجم احوال نجاته و القومین و ادب و فقه غایبانه او معقول بوده و اسم او در مقدمه آن کتاب و شرح جان مغرب می آید او در کتاب العاثر و الآثار مرحوم محمد حسن خان اعتماد السلطنه مسطر است و در نه هزار سیصد و شش مجلدی قمری در طهران مرحوم شد. تولد اینجناب در طهران در محله دروازه قزوین در یازدهم ربیع الاول سنه هزار دو بیست و نود و چهار هجری قمری است. تحصیل علوم متداوله اسلامی را در همان طهران آید. ده ام صرف و نحو را در خدمت پدرم و خدمت مرحوم حاج سید مصطفی مشهور به فئات آبادی در مدرسه معیر الممالک و فقه را در خدمت همان بزرگوار و مرحوم حاج شیخ محمد صادق طباطبائی مدرس همان مدرسه و سپس در محض مرحوم حاج شیخ فضل الله نوری، آلام و حکمت قدیم را در خدمت مرحوم حاج شیخ علی نوری در مدرسه خان مروی و اصول فقه را در خدمت مرحوم ملا محمد آملی در مدرسه خازن الملک و سپس اصول فقه خارج را در محضر درس مرحوم افضل المتأخرین آقا میرزا حسن آشتیانی و صاحب حاشیه مشهور در سائیر مرحوم شیخ مرتضی انصاری، در سه و چهار سال اخیر عمر آن مرحوم دیگر از علمائی که بدون حضور در مجالس درس ایشان در چون اصلا مع الس درس نشناختند از مسائل و مضامین کثیر البرکات ایشان بحث های مفید مستفیض شده ام بعضی از آن مرحوم شیخ هادی نجم آبادی و دیگر مرحوم سید احمد ادیب پشاور و دیگر مرحوم شمس العلماء و شیخ محمد مهدی فروزینی عبدالرب آبادی یکی از مولفین اربعه نامه دانشوران است رحمت الله علیهم اجمعین.

در سنه ۱۳۲۲ چون برادر میرزا احمدخان و هابی (حالیه در نظارت لشکر در کرمان) آنوقت در لندن بود من نیز سفری بلندن کردم و خیال توقف زیادی در آن شهر نداشتم ولی در نتیجه بعضی اتفاقات مدت معیندی در آنجا بماندم. در پاریس و پس از آن در آلمان و بار مجدداً در پاریس اقامت نمودم و در این نقاط با بعضی مستشرقین اروپا آشنا شدم. از قرار ذیل در لندن با متوفا ادوارد براون انگلیسی که در ایران بواسطه کثرت آثار ادبی خود راجع به آن سرزمین بغایت معروف است، و متوفا استرالس کتابدار سابق موزه بریطانیه و متوفا مستر آمد روز طابع تاریخ الرزراء هلال صامی و تاریخ دمشق ابن القلانسی و متوفا سرد نیزن راس مترجم تاریخ رشیدی به انگلیسی و بسیاری از کتب فسیه دیگر در لندن و متوفا هر تویک در نیورک طابع کتاب سیبویه و متوفا باریبه دو منار طابع و مترجم مروج الذهب مسعودی و بسیاری از کتب دیگر و متوفا غامیه متخصص در اسننه قدیمه ایران و متوفا کلمات هوارت طابع و مترجم کتاب الهد و التاریخ مقدسی و مناقب العارفین افلاکی و مولف عدده کثیری از کتب نفیسه دیگر و دوست فاضل ارجمند دانشمند آقای و لادیمیر مینورسکی مستشرق معروف روسی (که فعلاً در لندن اقامت دارند) مترجم حدود العالم باحواشی و تعلیقات بسیار نافع فاضلان و مولف بسیاری دیگر از آثار نفیسه دیگر راجع به ایران و از جمله اغاب مقالات مندرجه دره دائره المعارف اسلام و در خصوص تاریخ و جغرافیای اغلب بلاد و نواحی ایران و فاضل دانشمند محقق آقای پاول کراوس مستشرق چکوسلوواکی طابع و مترجم بسیاری از مولفات محمد بن ذکریا از می و متوفا بیل کازانوا مستشرق مشهور فرانسوی و متخصص در تاریخ و جغرافیای اسلامی مصر و مسکوکات دول اسلامی و غیر ذلک و متوفا کابریل فران مدیر سابق ژورنال ایشیانیک و فاضل دانشمند بیل پیلو مستشرق معروف

و فرانسوی و متخصص در زبان چینی و مغولی و متوفاد کار بلاغته کتابدار قسمت شرقی کتابخانه ملی پاریس و مواف فهارس کتب فارسی کتابخانه مزبور و طابع قسمتی از جامع التواریخ رشیدالدین فضل الله وزیر هازان و اولجايتو و فضل دانشمند آقای لونی ماسندون مستشرق شهیر فرانسوی و متخصص در زبان عربی و تصوف و مخصوصا در جمیع آنچه راجع به حسین ابن منصور حلاج است و فاضل دانشمند آقای هانری ماسه مستشرق مشهور فرانسوی که چندین سفر بایران کرده و درایه ان بنایت معروف اند .

در برلین با متوفامر کوارت مستشرق معروف آلمانی صاحب «ایران شهر» در جغرافیای قدیم ایران و بسیاری از تفاسیر آثار دیگر و متوفا ادوارد زاخاؤو مستشرق معروف آلمانی طابع متن آثار الباقیه ابوریحان بیرونی و ترجمه آن به انگلیسی و طابع طبقات کبیر ابن سعد کتاب و افندی در ۱۵ جلد و غیره و غیره و آقای دکتور موریشز مسیر کتابخانه مدرسه السنا شرقیه برلین متخصص در زبان عربی و قرآت خطوط متنوعه اسلامی و متوفا مارتن هارت من متخصص در زبان عربی و متوفا اوسکار مان متخصص در زبان فارسی و کردی که چندین مرتبه به ایران سفر کرده و آقای اوکن میتووخ متخصص در زبان عربی و مصحح قسمتی از طبقات ابن سعد مذکور سابقه و آقای فرانک استاد متخصص در زبان سریانی و سیانتیان بیک مؤلف نحو و صرف مفصلی برای زبان فارسی به آلمانی و غیر هم .

در مدت اقامت خود در اروپا کتب ذیل به تصحیح این ضعیف و به معارج اوقاف غیره کتب با متوفا ادوارد برون انگلیسی بطبع رسیده است و بعضی از آنها نیز ترجمه یا تالیف خود اینجانب است .

۱- جلد اول تذکره لب الالباب هوفی و به استثنای ۶۱۵ جزء اول، جلد دوم آن قبل از جلد اول و قبل از رفتن من به اروپا بطبع رسیده بود .

۲- مرزبان نامه سعدالدین و او بیستانی

۳- المعجم فی معایر اشعار المعجم شمس الدین محمد بن قیس رازی .

۴- چهارمقاله نظامی عروضی سمرقندی با حواشی مفصل مبسوط در آخر آن .

(۵ و ۶) - جلد اول و دوم و سوم تاریخ جهان کشای جوینی تالیف علاءالدین سلطان ملک جوینی در تاریخ منول و خوار زمشاهیان و اسمعبلیه الموت و با حواشی مفصل مبسوط در آخر جلد سوم مقدمه مبسوط بر جلد اول .

۸- ترجمه لوایح جامی بفرانسوی که سپس وینفیلد مستشرق انگلیسی آن ترجمه فرانسوی را به انگلیسی ترجمه نمود و بعاکس از نسخه خطی از اصل لوایح در لندن چاپ نمود .

۹- رساله در شرح حال مسعود سعد سلمان که فقط ترجمه آن به انگلیسی توسط متوفا ادوارد براون بطبع رسیده است نه اصل فارسی آن .

۱۰- دیباچه بر تذکره الاولیاء شیخ عطار طبع آقای نیکولسون در لندن .

۱۱- رساله در شرح احوال شیخ ابوالفتح رازی که به عنوان خانه الطبع در آخر جلد

پنجم کتاب مزبور در طهران به طبع رسیده (۲ و ۱۳) عدم از مقالات متفرقه تاریخی و ادبی



آخرین عکس علامه مرحوم محمد آذوبنی در بین عائله اش



پښتونستان ګاونډي علوم او مطالعات فرهنگي
پرتال جامع علوم انساني

و انتقادی که در تحت عنوان بیست مقاله فروزینی در دو جلد به طبع رسیده است ، جلد اول در سنه ۱۳۰۷ هجری شمسی در بمبئی بنوسط دوست ناخدا دانشمند من آقای ابراهیم پور داؤد مدظله العالی و جلد دوم در سنه ۱۳۰۲ قمری د ۱۳۱۳ شمسی به توسط فاضل دانشمند آقای عباس اقبال مدظله العالی .

۱۴ - رساله در شرح احوال ابو سلیمان منطقی - چغتایی مولف سران الحکمه که در سال ۱۳۱۲ شمسی در پاریس بطبع رسیده است .

۱۵ - رساله در تحقیق مولف نفیة المصدر یعنی محمد نسوی منشی جلال الدین منکبرنی که در سنه ۱۳۰۸ شمسی به اهتمام دوست ارجمند آقای عباس اقبال مدظله العالی در طهران به طبع رسیده است .

۱۶ - رساله راجع به ممدو - بن سعدی و شرح احوال آبان که در سنه ۱۳۱۷ شمسی به توسط فاضل ارجمند آقای حبیب یسائی ابتدا در مجله تعلیم و تربیت و سپس مجزی در طهران به طبع رسیده است .

۱۷ - دیوان خواجه حافظ که این ضمیمه از روی چند نسخه قدیمی تصحیح نمودم و در سنه ۱۳۲۰ شمسی در طهران به اهتمام وزارت فرهنگ بطبع رسیده است .

(د - اواخر سنه ۱۳۱۸ شمسی و او اخر سپتامبر ۱۹۳۹ میلادی) به واسطه ظهور جنگ در اروپا و صعوبت اقامت امثال ما خارجی ها در آن صفحات ، این جانب به طهران مراجعت کردم و تا کمون در آنجا میباشم و درین مدت اقامت ثانوی در طهران دیوان حافظ را به تقاضای وزارت فرهنگ چنانچه در فوق گفته شد از روی چند نسخه بسیار قدیمی تصحیح کردم و وزارت فرهنگ که در آنوقت آقای اسمعیل مرآت منصفی آن بردند بطبع گزینی از آن نموده است . طهران - ۱۹ آبان ۱۳۲۱ هجری شمسی مطابق ۲۹ شوال ۱۳۶۱ هجری قمری محمد بن عبدالوهاب فروزینی .

این بود شرح حال که به خواهرش یکی از ارادت مندان به فم خود نوشته اند بعد از تصحیح و طبع دیوان حافظ نیز یک سلسله مقالات مفید و محققانه چنانکه معمول شیوه اوست در دوره چهارم مجله یاد کار نوشته و نشر شده است و اخیرا نسخه کتاب شد الا زار یعنی رساله مزارات شیراز را با اتفاق و همراهی فاضل دانشمند آقای عباس اقبال آشتیانی که یکی از دوستان صدیق و ارادت مندان صدیق او بوده برای نشر حاضر میگردوم چنین در بستن بسیاری با آنکه چون چراغ سحری رو بظاموشی میرفت از افتاده و افاضه باز نمانده و از هر موضوعی که سخن میرفت بایان آرام و کلمات شکرده و عبارات ساده و بی پیرایه و استدلال منطقی و معقول عقاید خود را اظهار میداشت و طالبان معرفت را از منبعی زخار از علم و معرفت مالا مال از تجربه و تحقیق خود مایه و نیرو میداد .

دریغ ازین مرد بزرگ گرانمایه که بایک جهان علم و ادب و فضل و کمال ازین خاکدان چشم پوشید انالله وانا الیه راجعون . اللهم اغفر وارحم و اجعله من عباده الصالحین .